

فرستاد و جهانگشایی او در مقابل ناصرخان آغاز شد. او در دربی هشتم در روز ۱۵ بهمن ۵۰ در رقابت‌های دور رفت قهرمانی باشگاه‌های ایران (جام منطقه‌ای) گل دوم قرمزها را در دروازه حجازی جای داد و تیمش ۴-۱ برد. یک شوت سرضرب از پشت ۱۸ و اشتباه ناصر در مهار توپ.

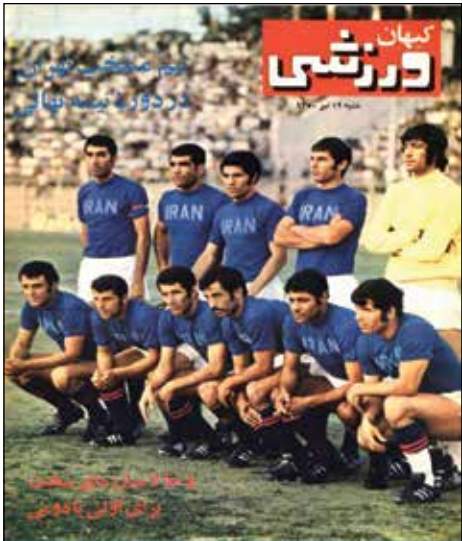
سومین گل صفر در سوم فروردین ۵۱ در دربی دور برگشت جام منطقه‌ای به ثمر رسید که منجر به برد ۲-۰ قرمزها شد. شوت او در دقیقه ۵۰ از میان دست‌های ناصر لغزید و به داخل دروازه رفت. این مفت‌ترین گلی بود که ناصر در تمام عمر خورده بود و مقصرش را زمین لغزنده امجدیه می‌دانست اما خبر نداشت که قاتل دروازه او چه در زمین مخمل چه در میدان گل آلود، گل زدن به عقاب را بلد است. باید خدا خدا می‌کرد که صفر پایش از دربی کوتاه شود

ایرانپاک در مجموع زنده هفت گل در دربی‌های سرخابی بود که نام او را در میان رکوردداران تاریخ شهرآوردها جاودانه کرده است. اولین حضورش در دیدار دوستانه دربی پنجم بود که قرمزها ۳-۲ باختند و هیچ دم نزنند. در دربی ششم آقافکری او را روی نیمکت نشاند و به میدانش نفرستاد و دو تیم بعد از مساوی ۱-۱ به جان هم افتادند و بازی نیمه‌تمام ماند. صفر اولین گلش به تاج را در دربی هفتم زد.

وگرنه باز کردن دروازه او حتمی بود!

گل چهارم ایرانپاک در دربی سیزدهم رخ داد. آن هم بعد از سه سال وقفه (یک سال به خاطر اعلام حرفه‌ای‌گرایی پرسپولیس توسط عیده که از مسابقات داخلی دور افتادند و دوسال به خاطر مصدومیت صفر که از چرخه بازی‌ها و به ویژه دربی ۱۲ دور مانده بود.) این بار در آخرین مسابقه لیگ دوم تخت جمشید در روز ۲۷ آذر ۱۳۵۳ در نیمه‌دوم از روی پاس کلانی مثل همیشه دروازه تاج و حجازی را باز کرد. گل پنجم صفر پنج ماه بعد در دربی شانزدهم روز پنجم اردیبهشت ۱۳۵۴ سومین دوره لیگ تخت‌جمشید به ثمر رسید؛ یک شوت محکم در دروازه ناصر حجازی که هیچ لذتی نداشت، چون لذت گل او در سایه شکست ۳-۱ محو شد.

صفر گل‌های ششم و هفتم خود را در دربی ۲۱ روز ۱۸ آذر ۵۶ در فصل پنجم تخت‌جمشید به ثمر رساند و مقابل حجازی این بار دبل کرد. ابتدا در دقیقه ۱۲ بازی وقتی که وارژن صفریان توپ را با یک شوت بلند به زمین آبی‌ها ارسال کرد توپ به زیر پای ایرانپاک افتاد و او توپ را با روی پا پشت سر اسکندریان انداخت و با یک دریبل دوطرفه از او گذشت و آنگاه با یک بغل پای دقیق، کار را تمام کرد. دنیای



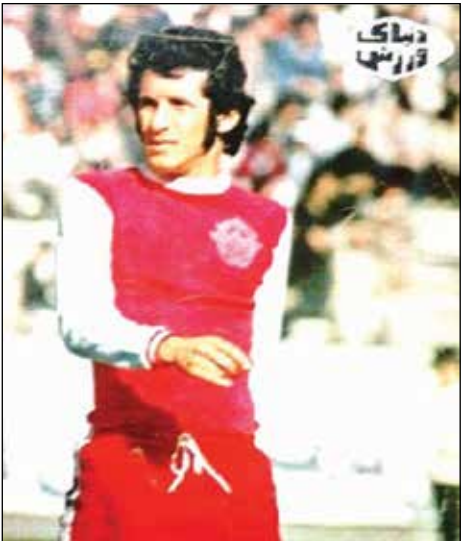
ورزش شماره ۲۶ آذر ۱۳۵۶ نوشت: حساب‌های جکیج تقریباً درست بود اگر چه خوب از کار درنیامد. هیچ یک از سه مدافع ملی‌پوش تاج یعنی نظری، اسکندریان و مسلمی نتوانستند در مقابل نفوذ ایرانپاک و گل اول پرسپولیس، بیگناهی خود را ثابت کنند. ایرانپاک درست از نقطه‌ای دیوار دفاعی تاج را شکسته بود که به نظر بتونی‌تر از همه قسمت‌های دیگر بود. صفر دومین گل خود در این بازی و آخرین گل شهرآوردی‌اش را در دقیقه ۲۴ به ثمر رساند و ساندویچ شادی خود را با ممد مایلی و پروین و خردبین جشن گرفت و نفهمید که رکورد گل‌هایش در دربی تا نیم قرن بعد شکسته نخواهد شد. هنگامی که پرسپولیس پس از خطای مدافعان تاج روی آلن ویتل لژیونر خارجی پرسپولیس، صاحب یک ضربه خطا شد اسماعیل حاج‌رحیمی‌پور پشت توپ ایستاد و آن را بلند روی دروازه تاج سانتر کرد. مسلمی و ایرانپاک برای زدن توپ به هوا بلند شدند اما این پیشنهادی بلند صفر بود که دروازه حمید ملک‌احمدی گلر تاجی‌ها را که از دروازه بیرون آمده بود فرو ریخت. با این حساب صفر ایرانپاک ۵ گل از ۷ خود در دربی را به دروازه حجازی زد و هر گاه که رشیدی گلر تاج شد دروازه تاج به روی او قفل ماند. او همچنین در زمانی که حجازی از تاج به شهپاز رفت سه بار دروازه او را گشود. جا دادن هشت گل در دروازه جذاب‌ترین عقاب آسیا چه لذتی داشت. عقابی که هرگز دلش از صفر نشکست و از او دل‌رنجه نشد.

قرارداد آث میلان

یک روز چشم باز کردیم و دیدیم که صفرخان از ایتالیا برگشته و یک دستگاه اتومبیل کورسی لاکچری و لوکس هم با خود آورده است. مجله دنیای‌ورزش در ستون اخبار حاشیه‌ای خود خبر داد که پگی داودی خبرنگار این نشریه در ایتالیا ایرانپاک را به مسئولان تیم آث میلان معرفی کرده و صفر چند جلسه‌ای هم با آنها تمرین کرده است. پگی نوشته بود که سرپرست تیم میلان در همان جلسه دوم تقاضای عضویت در این تیم مشهور را به صفر داده است. حتی روزنامه کوریره هم خبرش را نوشته که به زودی یک فوتبالیست ایرانی به تیم میلان می‌پیوندد. پگی نوشته بود از فصل آینده ورود بازیکنان خارجی در فصل نقل و انتقالات به تیم‌های ایتالیایی بار دیگر آزاد خواهد شد و مسئولین تیم میلان او را برای فصل آینده خواستار شده‌اند. سرپرست تیم میلان به پگی داودی که نقش مترجم ایرانپاک را در مذاکرات داشت درباره حقوق و مزایا گفت که با ماهی ۵۰۰ دلار حقوق که به عنوان پول توجیبی خواهد بود و خانه و غذا و ماشین مجانی تهیه خواهیم دید او را به عضویت میلان در می‌آوریم و به دنبال سه ماه تمرین، قیمت قراردادش را برای دوسال تعیین خواهیم کرد. داودی از قول سرپرست باشگاه ایتالیایی نوشت که مبلغ قرارداد ما برای این ایرانی ۱۵ هزار دلار خواهد بود. سفر غربت میلان را نپذیرفت و در تهران ماند که دلش خوش باشد و چینی نازک تنهایی‌اش میداد که ترک بردارد.

ویژه‌نامه آخر هفته

پرونده هفته



جام جهانی کوچک برزیل

ایرانپاک یکی از ستارگان تیم ملی اعزامی به برزیل بود و در بازی‌های جام جهانی کوچک به میدان رفت. خرداد سال ۱۳۵۱ بود که تیم ملی متشکل از بچه‌های تخرس تهرانی و به رهبری «رئیس» (محمد رنجبر) عازم برزیل شدند تا در رقابت‌هایی که به مناسبت صد و پنجاهمین سالگرد استقلال برزیل برگزار می‌شد و ۲۰ تیم سراسر جهان در آن حضور داشتند به عنوان تنها نماینده قاره آن هم پس از کسب مقام قهرمانی جام ملت‌های آسیا (۱۹۷۲) حضور پیدا کنند. صفر در بازی اول جلوی ایرلند جنوبی فیکس بازی کرد که ۲-۱ باختیم. بازی بعد را ۳-۰ از پرتغال اوزهبیو شکست خوردیم و صفر خان در آخرین بازی مقدماتی نیز مقابل اکوادور به میدان رفت که ۱-۱ بردیم. ایرانپاک آنجا با جواد قرباب ستاره خط‌هاف‌بک تاج هم‌اتاقی بود. آن روزها جوانان برزیلی برای استقبال از میهمانان خارجی برای ستاره‌ها صفحه موسیقی و کاست می‌آوردند و کادومی دادند که با فرهنگ و موسیقی میزبان آشنا شوند. بلااستثنا هر شب با آغوشی پر از موسیقی به هتل تیم ایران می‌آمدند و هدیه می‌دادند. یک شب موقع خواب، جواد رفته بود بیرون و ایرانپاک هر چه منتظر شده بود بازنگشته بود. صفر گرفته بود خوابیده بود و صبح پا شده بود و دیده بود که جواد سرجایش نیست و رختخوابش خالی ست. این غیبت او را سخت به وحشت انداخته بود چون آن روزها در برزیل چو افتاده بود که شب‌ها امنیت چندانی نیست و هرکس نیمه‌شب بیرون برود کارش با کرام‌الکتابین است. صبح سر مراسم صبحانه‌خوری در حالی که دل صفر مثل سیر و سر که می‌جوشید به رفقایش خبر داد که دارم از نگرانی می‌میرم خبری از جواد نیست. همه‌اش خدا خدا می‌کرد که بلایی سر قرباب نیامده باشد که خود را مقصر بداند که چرا زودتر خبر نداده بروند دنبالش پیدایش کنند. نزدیکی‌های ظهر بود که آقا جواد سلانه‌سلانه پیدایش شد. هر چه می‌خواست حرف بزند بچه‌ها توی حرفش می‌دویدند و متلک بارش می‌کردند که خوب رفتی خوشگذرانی. آخرش تصمیم گرفته بودند برایش یک دادگاه اردویی تشکیل دهند. قربانعلی تاری دروازه‌بان قدیمی تیم ملی ایران که در برزیل سرپرست تیم بود، شده بود رئیس دادگاه و بچه‌ها در نقش اعضای آن و در فکر کیفرخواهی. سرانجام دادگاه رای به جریمه مالی قرباب داده بود. بچه‌ها که فکر می‌کردند اگر به او در پول توجیبی‌ها و پاداش‌های تیمی، کمتر پول بدهند حیره بیشتری به خودشان خواهد رسید همگی به اتفاق او را محکوم کردند. قرباب هر چه از خود دفاع کرد به جایی نرسید. همه در دادگاه بر ضد او بودند. تنها کسی که حرف‌هایش در او تأثیر گذاشته بود هم‌اتاقی‌اش صفر بود. تنها صفر بود که می‌دانست او کجا رفته است. همه همه‌رقم فکر بد می‌کردند اما صفر یواشکی خبر داشت که او روی اصرار سریش گونه جوان‌های برزیلی که هر شب برایشان صفحه و نوار موسیقی می‌آوردند توی تعارف مانده و به خانه‌شان رفته است که زود برگردد اما با اصرار زیاد ماندگارش کرده‌اند! پسر مسجد سلیمان در تمام عمرش دل کسی را نشکست اما صدها بار دل خودش شکست و صدای خرد شدنش به گوش فلک رسید.

10

8

ایرانپاک در مجموع زنده هفت گل در دربی‌های سرخابی بود که نام او را در میان رکوردداران تاریخ شهرآوردها جاودانه کرده است. اولین حضورش در دیدار دوستانه دربی پنجم بود که قرمزها ۳-۲ باختند و هیچ دم نزدند. در دربی ششم آقافکری او را روی نیمکت نشاند و به میدانش نفرستاد و دو تیم بعد از مساوی ۱-۱ به جان هم افتادند و بازی نیمه‌تمام ماند. صفر اولین گلش به تاج را در دربی هفتم زد. ۲۸ خرداد ۱۳۵۰ در چارچوب جام باشگاه‌های تهران. در حالی که آبی‌ها با گل غلامحسین جلو بودند در دقیقه نود، شوت برگشت داده‌شده علی پروین به دست حجازی را با نوک پا به داخل دروازه